



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۸ شهریور ۱۴۰۳

مصادف با: ۱۴ ربیع الاول ۱۴۴۶

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

موضوع جزئی: مروری بر مباحث سال گذشته - موضوع شناسی: ۱. پول -

جهت پنجم: پول، مال حقیقی یا اعتباری - جهت ششم: مثلی یا قیمی بودن پول

جلسه: ۲

سال دوم

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم مباحثی که طی سال گذشته مطرح شد، عمدتاً معطوف به موضوع شناسی پول بود؛ در این باره به چند جهت اشاره کردیم، لکن از آنجا که این جهات جنبه مقدمیت برای مباحث اصلی ما دارد، ناچاریم یک مرور اجمالی به آنها داشته باشیم. چهار جهت را در جلسه گذشته اشاره کردیم؛ یکی مراحل دهگانه تکامل پول بود؛ دوم، تعریف پول؛ سوم، تقسیمات پول؛ چهارم، تحلیل ماهیت پول که به سه دیدگاه و نظریه اشاره شد. هر چند ما به داوری در میان این سه دیدگاه و نظریه نپرداختیم؛ یکی نظریه قدرت خرید، دیگری نظریه ارزش اسمی، سوم هم سند یا حواله کالا یا انبار. ما علی القاعده باید آثار فقهی کاهش ارزش پول را بنابر هر یک از این مبانی ان شاء الله بررسی کنیم.

### جهت پنجم: پول مال حقیقی است یا مال اعتباری

جهت پنجم که سال گذشته در مورد پول مورد بررسی قرار گرفت، این بود که آیا پول یک مال حقیقی است یا اعتباری. ما عرض کردیم اینکه پول مال حقیقی باشد یا اعتباری، آثاری دارد؛ برخی از اهل فضل گفته‌اند پول مال اعتباری نیست بلکه یک مال حقیقی است. ما این را رد کردیم و عرض کردیم با توجه به تعریفی که برای مال ارائه شد، (اینکه رغبت عقلایی به سوی یک چیز باشد و حاضر باشند به ازاء آن عوض یا ثمن پردازند) ملازمه با حقیقی بودن پول ندارد. ما گفتیم پول به اعتباری می‌تواند حقیقی باشد و به اعتباری می‌تواند اعتباری باشد؛ از یک جهت حقیقی و از یک جهت اعتباری. البته پول‌های امروزی همه اعتباری است؛ ما امروز چیزی به نام پول حقیقی نداریم؛ چون نه درهم است و نه دینار و نه کالاست، هیچ کدام از اینها نیست. در گذشته پول حقیقی قابل تصور بود، اما امروزه چیزی به نام پول حقیقی نداریم؛ هر چه هست پول اعتباری است.

بین پول حقیقی و پول اعتباری هم از برخی جهات و در برخی احکام تفاوت‌هایی وجود دارد. مثلاً در احکام مربوط به ربا، در احکام صرف، در زکات، در ضمانت، اینها یک آثاری دارد؛ مثلاً در پول حقیقی، ربای معاملی تحقق پیدا می‌کند اما در مورد پول اعتباری ربای معاملی طبق برخی مبانی تحقق ندارد. یا مثلاً در بیع صرف یک سری احکام ثابت است؛ اگر ما بخواهیم طلا را با نقره معامله کنیم، یکی از شرایط آن این است که فی المجلس قبض صورت بگیرد، ولی این حکم در پول اعتباری جریان ندارد. یا مثلاً پول حقیقی متعلق زکات واقع می‌شود اما پول اعتباری متعلق زکات نیست. در مسئله ضمان و تلف پول هم بین این دو فرق است.

### جهت ششم: مثلی بودن یا قیمی بودن پول

جهت ششم درباره مثلی بودن یا قیمی بودن پول بود. آیا پول مثلی است یا قیمی؟ این یک بحث بسیار مهم و مبنایی درباره

تعلق ضمان است. عرض کردیم اینجا چندین دیدگاه وجود دارد؛ ما به پنج دیدگاه اشاره کردیم.

البته اینکه ما بحث می‌کنیم پول مثلی است یا قیمی، این را باید توجه بفرمایید که ما درباره چه پولی این را مطرح می‌کنیم؛ به عبارت دیگر محل نزاع در باب مثلی بودن یا قیمی بودن پول، کدام پول است؟ برخی از پول‌ها قطعاً مثلی‌اند و از محل نزاع خارج‌اند. مثلاً پول کالایی که در گذشته رایج بود، (اولین مرحله از مراحل شکل‌گیری پول، به این نوع پول اختصاص داشت) بالاتفاق مثلی است؛ اینکه مثلاً گندم می‌دادند و در مقابل آن یک چیزی می‌گرفتند؛ بعد یک جنس خاصی به عنوان معیار مطرح شد، مثل صدف یا نمک یا پوست، اینها قطعاً مثلی است و از محل نزاع خارج است. پول فلزی هم قطعاً مثلی است؛ طلا و نقره که بعد از پول کالایی وارد مبادلات مالی مردم شدند، آنها هم مثلی است. بعد از آن، پول کاغذی پا به عرصه گذاشت؛ اسکناس‌های کاغذی با پشتوانه طلا و نقره هم تقریباً مورد اتفاق است که اینها مثلی هستند؛ چون الان اسکناس‌های کاغذی پشتوانه طلا و نقره وجود ندارد. تا چند دهه پیش، اسکناس دارای پشتوانه طلا و نقره، همه جا وجود داشت و هیچ اسکناسی نبود که پشتوانه طلا و نقره نداشته باشد. اسکناس با این پشتوانه هم تقریباً از محل نزاع خارج است که مثلی است. پس این سه نوع از انواع پول، اینها مورد اتفاق است که مثلی هستند.

اما آن نوعی که مورد اختلاف است، پول اعتباری است. حالا این پول اعتباری اعم از اینکه در قالب اسکناس بدون پشتوانه طلا و نقره باشد یا اینکه پول الکترونیکی باشد؛ بالاخره اینها مثلی هستند یا قیمی. این محل نزاع است؛ دیدگاه‌ها در مورد مثلی بودن یا قیمی بودن پول، مختلف است. این دیدگاه‌ها البته ممکن است مصب آنها با همدیگر فرق داشته باشد؛ من اول محل نزاع را برای شما تحریر کردم تا به درستی معلوم شود که ما می‌خواهیم در مثلثیت و قیمی بودن چه نوع پولی بحث کنیم؛ اما وقتی سراغ انظار و آراء می‌رویم، این انظار و آراء با مصب‌های مختلف بیان شده است.

۱. مشهور فقهای یک قرن اخیر معتقدند اسکناس مثلی است، همانطور که اشاره شد.

۲. دیدگاه دوم این است که اسکناس و پول کاغذی قیمی است.

۳. دیدگاه سوم که شهید صدر به آن ملتزم شده است، این است که اسکناس مثلی است اما مثلثیت آن صرفاً به کاغذ و ارقامی که بر روی آن نوشته شده نیست، بلکه این یک وصفی دارد که مقوم این شیء است و آن هم قدرت خرید است. ایشان معتقد است قدرت خرید وصف مقوم ماهیت این پول‌هاست. این هم یک نظر که با دو نظر قبلی فرق می‌کند؛ می‌گوید مثلی است اما وقتی می‌خواهد مثلثیت را تفسیر کند، می‌گوید مثلثیت فقط در شکل و رنگ کاغذ و رقم درج شده روی کاغذ نیست بلکه یک وصفی دارد، آن هم نه وصف قابل جدا شدن بلکه یک وصفی که قوام ماهیت پول به آن است. حالا ما این را ان شاء الله بعداً بررسی خواهیم کرد.

۴. دیدگاه چهارم، تفصیل بین اختلاف فاحش و اختلاف ناچیز است؛ به این معنا که اگر اسکناس در یک زمانی یک ارزشی داشت و بعد در زمان تأدیه اختلاف ارزش پیدا کرد و قیمت و ارزش آن بالا رفت، به گونه‌ای که این اختلاف شدید بود، اینجا قیمی محسوب می‌شود؛ اما اگر اختلاف ناچیز بود، مثلی محسوب می‌شود. یعنی بعضی اوقات و زمان‌ها اسکناس مثلی است و بعضی اوقات قیمی.

۵. دیدگاه پنجم این بود که اسکناس و پول کاغذی نه مثلی است و نه قیمی، بلکه یک ماهیت سومی است که در اقسام مثلی و قیمی نمی‌گنجد؛ چرا؟ می‌گویند مقسم در تقسیم مال به مثلی و قیمی، مال حقیقی است؛ ولی اعتباری از مقسم خارج است و اینجا چون این مال یک مال اعتباری است، بنابراین نه مثلثیت و نه قیمیت در مورد آن معنا ندارد.

این پنج دیدگاهی بود که ما اشاره کردیم. برای نتیجه‌گیری و بررسی که بالاخره آیا پول یک مال مثلی محسوب می‌شود یا مال قیمی، به ناچار مقدماتی را بیان کردیم که طولانی هم شد.

یکی اینکه اساساً تعریف مثلی و قیمی چیست؛ ملاک در قیمی بودن یک مال یا مثلی بودن مال کدام است؛ کلام شیخ انصاری، تعریف مشهور، تفسیر شیخ از تعریف مشهور و اشکالاتی که مرحوم شیخ به تعریف مشهور داشتند، اینها بیان شد که من نمی‌خواهم وارد آنها شوم. به دنبال آن، ما تقریباً عبارات چهارده تن از فقهای عظام را درباره مثلی و قیمی ذکر کردیم و نهایتاً این آراء و انظار و اقوال را در چند دسته گنجانیدیم؛ گفتیم به طور کلی به واسطه قرابت‌ها و شباهت‌هایی که نظر این فقها با یکدیگر دارد، می‌توانیم آنها را در چهار دسته قرار بدهیم. یک دسته کسانی هستند که مثلی را عبارت از آن چیزی می‌دانند که در اجزاء و قیمت مساوی باشند؛ مشهور چنین نظری دارند یا حداقل به مشهور این چنین نسبت داده شده است. یک دسته مثل مرحوم شیخ فرمودند که اساساً نمی‌توان مثلی و قیمی را تعریف کرد و ما نمی‌توانیم یک ضابطه روشن ارائه بدهیم؛ چون این یک امر عرفی است. یک دسته مثل مرحوم نائینی برای مثلی چهار شرط ذکر کردند؛ یک دسته هم بر این باورند که درست است که مثلی یک امر عرفی است اما یک خصوصیتی دارد و یک ویژگی در آن مشاهده می‌شود که باعث می‌شود میزان رغبت مردم و به تبع آن قیمتی که پیدا می‌کند، یکسان باشد. پس طبق نظر کسانی مثل امام(ره) و تا حدودی مرحوم سید، مثلی عبارت است از چیزی که افراد و مصادیق آن دارای خصوصیتی هستند که رغبت عقلاً نسبت به همه افراد آن یکسان و قیمت آن مختلف نباشد. این چهار دسته تعریف، در تعریف مثلی و قیمی بود.

هم دیدگاه‌ها را ملاحظه فرمودید و هم تعریف مثلی و قیمی و ضابطه‌ای که ارائه داده شده، حال آیا پول مثلی است یا قیمی؟ این بحث اصلی ما بود. ما برای این منظور یک اشاره‌ای کردیم به تفاوت پول‌های قدیمی و جدید؛ گفتیم پول‌های قدیمی و پول‌های جدید یک مشترکاتی دارند و یک تفاوت‌هایی. اما عمده این است که این پول‌های جدید به اعتبار اشتراکاتی که با پول‌های قدیمی دارند، می‌توانند مثلی محسوب شوند یا اینکه به اعتبار تفاوت‌هایی که بین پول‌های جدید و پول‌های قدیمی حاصل شده، ما آن را باید قیمی بدانیم؟ بالاخره یک پول جدید داریم و یک پول قدیمی؛ پول‌های جدید همه اعتباری هستند، این حتی شامل رمز ارز می‌شود، شامل پول الکترونیکی می‌شود، شامل اسکناس‌های بدون پشتوانه طلا و نقره می‌شود، بلکه پول تحریری در برمی‌گیرد. لذا وقتی می‌خواهیم بگوییم پول مثلی است یا قیمی، باید معلوم باشد که منظور ما پول‌های قدیم نیست و ما درباره این پول‌ها بحث می‌کنیم. اگر کسی بگوید درهم و دینار، طلا و نقره، مثلی بودند و الان هم پول باید مثلی باشد؛ گرچه آقای قدیری و مجموعه دوستان و همکارانشان به شدت دنبال احیاء پول طلا هستند و می‌گویند باید برگردیم به گذشته و درهم و دینار. اخیراً دیدم در کانالی که شما و دوستانتان دارید، پول‌های کاغذی طلائی دارد به بازار می‌آید و شما می‌گویید اینها باید به بازار بیاید. اینها می‌گویند پایه پول باید طلا باشد و از شر پول‌های اعتباری باید خودمان را خلاص کنیم و پول حقیقی بشود. یک همایشی هم برگزار کرده بودند و یک جمع محکم و استوار این علم را برافراشته‌اند، حالا چه زمانی این ورق در کشور برگردد، خدا می‌داند! ما الان می‌خواهیم پول‌های جدید و همین پول‌های اعتباری را بررسی کنیم که آیا مثلی هستند یا قیمی.

سؤال:

استاد: مثل خیلی چیزهای دیگر که اختلاف است، اینجا هم محل اختلاف است؛ یک وقت شما در نظر اشکال دارید، اما کسی مثل شهید صدر که می‌گوید پول و اسکناس، شامل همه پول‌های اعتباری است، می‌گوید درست است مثلی است؛ آن تعریفی

که برای مثلی ذکر شده، می‌گوید بر آن منطبق است؛ اما مثلی را باید تعریف کند. مثلی برای این پول یعنی آن قدرت خریدش را هم ملاحظه کنیم؛ چون قدرت خرید، وصف مقوم ماهیت پول است. گفتیم در تحلیل ماهیت پول سه دیدگاه اصلی وجود دارد: نظریه ارزش اسمی، نظریه قدرت خرید، سند مال یا حواله انبار. ایشان چون به نظریه قدرت خرید ملتزم شده، وقتی می‌خواهد مثلی را تعریف کند، می‌گوید مثلی به این معناست. حالا اگر کسی این مبنا را پذیرفت، بالاخره حل می‌کند و می‌گوید این مثلی است؛ بنابراین اگر کسی یک پولی را ده سال پیش گرفته، قدرت خرید ده سال پیش مثلاً ... در فضای مجازی این چیزها را خیلی منتشر می‌کنند که مثلاً با این مقدار پول ده سال پیش شما می‌توانستید یک ماشین فلان بخرید؛ امروز با این پول فقط می‌توانید آینه آن ماشین را بخرید؛ این روزها از این مقایسه‌ها خیلی زیاد اتفاق می‌افتد. می‌گوید ارزش پول کاهش پیدا کرده و قدرت خرید این همه تنزل پیدا کرده؛ می‌گوید یوم التادیه، چه در باب قرض، چه مهریه، اینجا باید قدرت خرید را ملاک قرار بدهیم ... من نمی‌خواهم قضاوت کنم؛ اما اگر گفتیم تورم، افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست، بالاخره یک سبد کالایی درست می‌کنند؛ یک چیز کلی دارند، یک نتیجه‌گیری کلی دارند که تورم چیست، همان معیار می‌شود. اینها همه علمی است و با ابزارهای علمی می‌سنجند. لذا دیگر نمی‌توانیم بگوییم شما با این پول چه چیزی می‌خواهی بخری؛ فلان چیز را بخری این ده برابر شده، فلان چیز پنجاه برابر شده، کدام را ملاک قرار بدهیم؟

سال گذشته به دلیل کمبود وقت، نتیجه‌گیری درباره مثلی بودن یا قیمی بودن پول نداشتیم؛ گفتیم این پنج دیدگاه را باید بررسی کنیم. ان شاء الله این بررسی که انجام بشود، جهت ششم پیرامون پول تمام می‌شود و موضوع‌شناسی پول به پایان می‌رسد. اما هنوز ما یکی دو تا بحث مربوط به موضوع‌شناسی داریم؛ یکی راجع به خود تورم است که یک مقداری باید صحبت کنیم؛ اصلاً این کاهش ارزش پول و تورم و گرانی چه نسبتی با هم دارند؛ هر چند یک اشاره‌ای در گذشته کردیم. گرانی و تورم و کاهش ارزش پول، اینها نباید خلط شود؛ چون ما می‌خواهیم آثار این را بررسی کنیم. این را ان شاء الله دنبال خواهیم کرد.

#### **تأکید امام(ره) و مقام معظم رهبری بر وحدت، ریشه در قرآن و سنت پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) دارد**

چون ایام ولادت با سعادت رسول گرامی اسلام(ص) و همچنین ولادت امام صادق(ع) است، به مناسبت از این دو شخصیت بی‌نظیر، در درجه اول رسول مکرم اسلام(ص) و بعد هم امام صادق(ع)، یک روایت نقل می‌کنم، متناسب با این هفته که هفته وحدت هم نامگذاری شده است.

رسول خدا(ص) در یک روایت بسیار کوتاهی که در نهج الفصاحه از ایشان نقل شده، می‌فرماید: «الجماعة رحمة و الفرقة عذاب»<sup>۱</sup>. شاید بهتر از این نمی‌شد ارزش وحدت و اتفاق و جماعت و نیز خطر تفرقه و جدایی و تنازع را ترسیم کرد. جماعت، یکی بودن، با هم بودن، اینها رحمت است؛ اما جدایی، تفرقه و اختلاف، عذاب است. البته این در آیات قرآن به صراحت بیان شده است. جایی که وحدت باشد و دل‌ها به هم نزدیک باشد، رحمت الهی به سوی مردم سرازیر می‌شود؛ برکت معنوی وحدت به مراتب بیش از برکات مادی است. اگر یک جامعه‌ای از همه نعمات مادی بهره‌مند باشند، اما بین آنها اختلاف و نزاع درگیری باشد، آنجا جهنم است و آرامش نیست. وقتی نزاع باشد، روح‌ها آلوده به ناآرامی و اضطراب و درگیری می‌شوند؛ اما جایی که اتحاد و برابری و برادری باشد، ولو در یک بیابان خشک لم یزرع، آنجا بهشت است. یک خانواده متمول ثروتمند که هیچ کمبودی از نظر مادی ندارند، اما دائماً بین اعضای خانواده دعوا و نزاع و درگیری باشد، آیا از آن ثروت و امکاناتی که دارند لذت می‌برند؟ یک خانواده‌ای که هیچ بهره‌مندی ندارند یا یک بهره‌مندی حداقلی دارند، اما

۱. نهج الفصاحه، ح ۲۳.

پیوندهای این خانواده قوی است، بین آنها صمیمیت و الفت حاکم است، اینها واقعاً گویا در بهشت زندگی می‌کنند. فرقه و اختلاف و تفرقه واقعاً عذاب است؛ هیچ عذابی بدتر از این درگیری‌ها و نزاع‌ها و اختلافات نیست.

شما حساب کنید در یک خانواده کوچک، عذاب و رحمت چه آثاری دارد؛ این وقتی به محیط بزرگتر بیاید، در یک مجموعه یا سازمان، در یک نهاد، در یک کشور، در یک امت، هر چه دامنه اجتماع وسیع‌تر باشد، عذاب تفرقه سخت‌تر است، گرفتاری ناشی از تفرقه سخت‌تر است. هر چه دامنه اجتماع وسیع‌تر باشد، تأثیرگذاری اتحاد و برابری بیشتر خواهد بود و قدرت حاصل از این اتفاق، قدرت بیشتری است؛ هیچ کسی نمی‌تواند در برابر این قدرت بایستد. همین الان و در شرایط کنونی اگر مسلمان‌ها با هم متحد باشند، با امکانات حداقلی نظامی و دفاعی، در برابر قدرت‌های بزرگ جهانی، اگر این امت بزرگ با هم یکی شوند، هیچ یک از این قدرت‌های استکباری در برابر آنها نمی‌تواند ایستادگی کند. اینکه ما می‌بینیم ما و اعظم از فقهای ما، امام راحل(ره)، مقام معظم رهبری، این همه بر این مسئله تأکید می‌کنند، یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اعتقادی اسلامی است که ریشه در قرآن و سنت پیامبر(ص) و اهل‌بیت(ع) دارد.

وقت گذشته، من یک روایتی از امام صادق(ع) بخوانم و عرض خودم را تمام کنم. امام صادق(ع) می‌فرماید: «صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحٌ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبٌ بَيْنِهِمْ إِذَا تَبَاعَدُوا»<sup>۱</sup>. اصلاح بین الناس ... اینجا اصلاح بین المسلمین هم نمی‌گوید، اصلاح بین المؤمنین نمی‌گوید؛ می‌فرماید اصلاح بین الناس در زمانی که بین آنها تفرقه و جدایی و فساد پیش بیاید ... به قرینه «اصلاح بین الناس» معلوم می‌شود که «تفاسدوا» به معنای جدایی و تفرقه است؛ وقتی از هم دور می‌شوند، وقتی جدا می‌شوند، اینها را نزدیک کردن ... نزدیک کردن مردم در هنگام جدایی، اصلاح بین مردم در هنگام نزاع و اختلاف، یک صدقه‌ای است که خداوند آن را دوست می‌دارد؛ صدقه که فقط به دادن پول و مال و اطعام نیست. همان آثاری که برای صدقه وجود دارد، برای این هم هست. برای صدقه یک آثاری ذکر شده است؛ صدقه اعم از صدقه مالی و غیر مالی است؛ آن آثاری که برای صدقه ذکر کرده‌اند، فقط برای صدقه مالی نیست؛ طول عمر، دفع انواع بلا، اینها برای همه انواع صدقات است. کسی که از نظر مالی چیزی ندارد تا صدقه بدهد، باید همه بلاها بر او نازل شود؟ نخیر؛ او مال ندارد اما می‌تواند اصلاح بین الناس کند؛ می‌تواند وقتی مردم از هم جدا می‌شوند، آنها را به هم نزدیک کند؛ هر کسی خدای نکرده یک قدمی بردارد بین دو انسان، دو مسلمان، دو هموطن، نثار و جدایی پیش بیاید، قطعاً کاری است که مبعوض خداوند تبارک و تعالی است. اگر می‌خواهیم محبوب خدا باشیم، اگر می‌خواهیم صدقه‌ای بدهیم که خداوند آن را دوست دارد، چه کاری بهتر از این که بین مردم و بین دوستان، بین احباء و بین برادران، رفاقت و صمیمیت و همدلی ایجاد کنیم. چرا بعضی‌ها از جدایی لذت می‌برند؟ چرا بعضی‌ها دنبال نزاع و دعوای بین دیگران هستند؟ این چه نگاه و چه فکری است که عده‌ای از ما، چه در حوزه زندگی شخصی و چه در حوزه زندگی اجتماعی، به آن مبتلا هستیم؟ خداوند ان‌شاءالله به همه ما عنایت بفرماید که بتوانیم با همدیگر مهربان باشیم.

«والحمد لله رب العالمین»